Archive of SID

JPS
مجلهٔ علوم روان‌شناختی/ دورهٔ هفدهم/ شمارهٔ ۷۰ / ص ۶۹۴-۶۸۳ زمستان(دی) ۱۳۹۷
Journal of Psychological Science, 2019 Winter(January) Vol. 17, Issue 70, p 683-694

تجربه بخشودگی در زنان دچار خیانت زناشویی

زهرا مرسلی[۱]، فرشته موتابی[۲]، منصوره السادات صادقی[۳]

The experience of forgiveness in betrayed women

Zahra Morsali[1], Fereshteh Mootabi[2], Mansoureh Sadat Sadeghi[3]

چکیده

زمینه: خیانت یکی از چالش‌های عمده‌ایست که زوجین درگیر وزوج‌درمانگران با آن روبه‌رو هستند. بخشودگی یکی از راهکارهایی است که به فرد خیانت‌دیده کمک می‌کند تا اثرات مخرب حاصل از خیانت را به حداقل برساند. هر چند بخشودگی مفهومی جهانی است اما عوامل مؤثر بر آن از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت می‌باشد. به همین منظور پژوهش حاضر از طریق بررسی تجارب زیسته‌ی بخشودگی در زنان خیانت‌دیده این عوامل را مورد جست‌وجو قرار داده‌است. **هدف:** این پژوهش با هدف شناخت تجربه‌ی زیسته‌ی بخشودگی زنان دچار خیانت زناشویی انجام شد. **روش:** با ۱۰ نفر از زنانی که خیانت همسر خود را بخشوده و در پرسشنامه‌ی بخشودگی اینرایت نمره‌ی ۲۶۶/۵ و بالاتر دریافت کرده‌بودند مصاحبه‌ی عمیق نیمه ساختاریافته به عمل آمد. پس از مصاحبه با نفر دهم داده‌ها به اشباع رسید. **یافته‌ها:** برای تحلیل داده‌ها از روش ۷ مرحله‌ای کلایزی استفاده گردید. نتایج حاصل از کدگذاری اولیه با شکل‌گیری ۸۲ واحد معنایی همراه بود که با توجه به اشتراکات موجود آن‌ها در قالب ۱۴ زیرمضمون دسته‌بندی شدند. در نهایت زیرمضمون‌ها در قالب ۴ مضمون اصلی طبقه‌بندی شدند که عبارتند از: عوامل متمرکز بر فرد، عوامل متمرکز بر همسر، عوامل متمرکز بر رابطه و عوامل بیرونی. **نتیجه‌گیری:** به نظر می‌رسد بتوان یافته‌های نسبتاً جدید به دست‌آمده را با توجه به بافت فرهنگی تبیین نمود.

واژه کلیدها: خیانت، بخشودگی، پدیدارشناسی، همسران، ایرانی

Background: Infidelity is one of the major challenges faced by involved couples and couples therapists. Forgiveness is one of the strategies that help betrayed women to minimize infidelity`s destructive effects. However, forgiveness is a global concept but the factors that shape it are different from one culture to other cultures. So the current research explore these factors by reviewing the betrayed women`s lived experience of forgiveness. **Aims:** understanding and explaining the experience of forgiveness in betrayed women. **Method:** This study was a qualitative one with the approach of phenomenology. Depth semi-structured interviews conducted with 10 people that forgive their partner`s infidelity and obtain 266.5 score and higher than in Enright forgiveness inventory. After the interview with the tenth person, the data was saturated and the sampling process stopped. **Results:** The seven steps Colizzi `s method was used to analyze data. The results of initial coding were associated with the formation of 82 semantic units, which, according to their commonality, were categorized into 14 subsample. Finally, these 14 subthemes were classified in three main themes as factors that focus on individual, factors that focus on spouse, factors that focus on marital relationship and external factors. **Conclusions**: It seems that relatively new findings can be found in terms of cultural context. **Key words:** infidelity, forgiveness, phenomenology, couples, Iranian

Corresponding Author: Zahra_morsali@yahoo.com

این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد استخراج شده است.

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی خانواده درمانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

1. M A in Family Therapy Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author)

۲. استادیار، گروه روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

2. Assistant Professor, Department of Psychology, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran

۳. دانشیار، گروه روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

3. Associate Professor, Department of Psychology & Counseling, University of Shahid Beheshti, Tehran. Iran

دریافت: ۹۷/۰۳/۱۵ پذیرش نهایی: ۹۷/۰۶/۲۰

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

مهمترین فرض رابطه عاشقانه، منحصر به فرد بودن آن است، یعنی اعتقاد به این که هر دو نفر از نظر مسایل عاطفی و جنسی به یکدیگر متعهد هستند. با این وجود خیانت در جوامع امروزی رو به افزایش است (فینچام و بیچ[1]،۲۰۱۰). مسأله خیانت زناشویی در جامعه ایران نیز به عنوان یک نگرانی مطرح است و با ناپایداری در روابط و نرخ بالای طلاق همراه است (مدرسی، زاهدیان و هاشمی محمدآباد، ۱۳۹۳).

زمانی که فردی از خیانت همسرش آگاه می‌شود، مهمترین موضوعی که با آن روبروست این تصمیم است که آیا او را ببخشد و با او بماند یا این که به رابطه خاتمه دهد (شکلفورد، باس و بنت[2]، ۲۰۰۲). با وجود این که خیانت یک از شدیدترین خطاهایی است که یک نفر در قبال همسرش مرتکب می‌شود و در نتیجه به راحتی بخشیده نمی‌شود (بندیکسن، گرونتوت و کنیر[3]، ۲۰۱۷)، اما در اغلب موارد بخشش راهی برای التیام زخم‌ها و کاهش تعارض‌هاست (مرادی، یزدان‌بخش و بساطی، ۱۳۹۵). زوج درمانگران به این نکته توجه کرده اند که بخشودگی یک بخش ضروری فرآیند التیام خطاهای عمده رابطه مانند خیانت است (فینچام، هال[4] و بیچ، ۲۰۰۶). بخشودگی شامل کاهش انگیزه انتقام و اجتناب و افزایش خیرخواهی در برابر فرد خطاکار است (مک‌کالو و هیت[5]، ۲۰۰۲).

بخشودگی کمال مطلوب برای زوج‌های متأثر از خیانت است. چه زوجین تصمیم بگیرند با هم بمانند و چه این که به رابطه‌شان خاتمه دهند، بخشودگی می‌تواند سلامتی جسمی و عاطفی معناداری را برای آنها به همراه داشته باشد. هرچند بخشودگی نیاز به این ندارد که زوج در کنار هم بمانند ولی صلح کردن را بیشتر ممکن می‌سازد (هال و فینچام، ۲۰۰۶؛ سودانی، غلام‌محمدی، خجسته‌مهر و عباسپور، ۲۰۱۹).

مولفه‌های متعددی بر شکل‌گیری فرایند بخشودگی مؤثرند. عوامل فردی، عوامل مربوط به خطا، عوامل شناختی-اجتماعی و مؤلفه‌های مربوط به رابطه (مک‌کالو، راشل،سندیج، ورتینگتون، براون و هایت[6]، ۱۹۹۸) از این دسته‌اند. فرایند بخشودگی علاوه بر این‌که توسط مؤلفه‌های فردی و رابطه‌ای شکل می‌گیرد، تحت تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی نیز می‌باشد (مرولا،ژانگ و سان[7]، ۲۰۱۲ ؛ بل، کمبل[8] و فینچام، ۲۰۱۸). هرچند مک‌کالو (۲۰۰۸) از بخشودگی به عنوان غریزه‌ای یاد می‌کند که در طول تاریخ کارکردهای رابطه‌ای را ایفا نموده است. اما حتی اگر بپذیریم که بخشودگی فراتر از مرزهای فرهنگی عمل می‌کند نمی‌توان از نقشی که فرهنگ‌ها بر چگونگی تجربه‌ی بخشودگی درون‌روانی و بین‌فردی دارند غافل شد (هوی و بوند[9]، ۲۰۰۹؛ فو، واتکینس و هوی[10]، ۲۰۰۴). همچنین فرهنگ‌ها می‌توانند از طریق تأثیری که بر سایر مؤلفه‌های شکل دهنده‌ی بخشودگی دارند آن را پیش بینی کنند. برای مثال شکل-گیری اسنادها توسط محیط ابتدایی افراد می‌باشد که در میان نسل‌ها باتوجه به تغییرات فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی تغییر می‌کنند (ملک‌عسگر، موتابی و مظاهری، ۱۳۹۳). در نتیجه مشخص نیست که آیا عواملی که در جوامع دیگر شکل دهنده‌ی تجربه‌ی بخشودگی‌اند در جامعه‌ی ما نیز همین نقش را ایفا می‌کنند. درنظر گرفتن عامل فرهنگ جهت طراحی پروتکل‌های بومی درمانی ضروری است و فقدان مطالعاتی از این دست باعث می‌شود تا در درمان خیانت زمینه‌ی فرهنگی مراجع در نظر گرفته نشود و این به نوبه‌ی خود، روند درمان را کند و یا حتی دچار وقفه می‌کند. توجه به بافت فرهنگ در زنان هنگام انجام مداخلات درمانی مبتنی بر بخشش می‌تواند کیفیت روابط و همدلی را در آن‌ها ارتقا دهد (کاشانکی و بشارت، ۱۳۹۷). علاوه بر این مطالعات اندکی وجود دارند که بخشودگی را در بافت خطای خیانت بررسی کنند. این در حالیست که در صورت نیاز به ارایه راهکارهای مبتنی بر بخشودگی بخشودگی در محیط‌های بالینی جهت بهبودی از عوارض خیانت، باید به طور خاص بخشودگی و عوامل شکل دهنده‌ی آن در ارتباط با خطای بین فردی خیانت شناسایی شوند. به همین منظور، مطالعه‌ی حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که چه مولفه‌هایی پیش بینی کننده بخشودگی زنان دچار خیانت زناشویی هستند؟

روش

جامعه‌ی آماری، نمونه، نمونه‌گیری: در این پژوهش از روش

1. Fincham & Beach
2. Shackelford, Buss & Bennette
3. Bendixen, Kennair & Grøntvedt
4. Hall
5. McCullough & Hoyt
6. Rachal, Sandage, Worthington, Brown & Hight
7. Merolla, Zhang & sun
8. Bell & kambel
9. Hui & bond
10. Fu & Watkins

www.SID.ir

Archive of SID

کیفی با رویکرد پدیدارشناسی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، شامل زنان ایرانی بود که در زندگی مشترک فعلی یا گذشته‌ی خود، توسط همسرشان مورد خیانت قرار گرفته بودند و همسرشان را بخشیده بودند. نحوه‌ی نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع هدفمند و نمونه‌گیری گلوله برفی بود و روند نمونه‌گیری تا زمان رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه یافت. به این صورت که ابتدا از طریق نصب اطلاعیه در چندین کلینیک مشاوره و روان‌درمانی و بیمارستان، از افرادی که اظهار می‌کردند خیانت همسر خود را بخشیده‌اند تقاضا شد تا در صورت تمایل برای شرکت در پژوهشی روان‌شناسی که زیرنظر اساتید دانشگاه شهید بهشتی انجام می‌شود، با پژوهشگر تماس بگیرند. همچنین از تعدادی زوج‌درمانگر خواسته شد اگر مراجعینی با ویژگی‌های ذکر شده به آنها مراجعه می‌کنند با کسب رضایت به محقق معرفی گردند. نهایتاً با توجه به این‌که از روش‌های مذکور نمونه‌ای به دست نیامد در شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی نیز از افراد واجد شرایط دعوت به همکاری به عمل آمد. هم‌چنین تعدادی از افراد نمونه نیز از طریق معرفی اشخاصی که در جریان تحقیق بودند وارد پژوهش شدند.

شیوه اجرا: به افرادی که مایل به همکاری بودند پرسشنامه‌ی بخشودگی اینرایت داده شد تا میزان بخشودگی آنها سنجیده شود. با افرادی که نمره آزمون آنها یک انحراف معیار بالاتر از میانگین یعنی ۲۶۶/۵ یه بالا بود، قرار جلسه مصاحبه گذاشته شد. این نقطه برش با توجه به تحقیق منتزع (۱۳۹۳) انتخاب شد. این روند تا زمان به اشباع رسیدن داده‌ها ادامه یافت. . در نهایت ۲۱ زن افراد خیانت‌دیده پرسشنامه بخشودگی را پر کردند. از این میان ۱۵ نفر نمره‌ی بخشودگی بالای ۲۶۶/۵ کسب کردند که ۲ نفر آنهامایل به شرکت در ادامه‌ی پژوهش نبودند. از میان ۱۳ نفر باقی‌مانده ۳ نفر با اینکه نمره بالای نقطه‌ی برش کسب کرده بودند در مصاحبه مشخص شد بخشودگی در آن‌ها محقق نشده است. ۱۰ نفر باقیمانده گروه نمونه پژوهش حاضر را تشکیل دادند. اطلاعات جمعیت شناختی افراد گروه نمونه در جدول شماره ۱ ارایه گردیده است.

جدول۱. مشخصات جمعیت شناختی گروه نمونه

ردیف	سن	نمره بخشودگی	تحصیلات	شغل	تعداد فرزندان	نوع خیانت	مدت زمان ازدواج	زمان گذشته از افشای خیانت	شهر محل سکونت
۱	۳۲	۲۸۴	کارشناسی ارشد	دانشجو	-	عاطفی	۷ سال	۲ سال	تهران
۲	۳۲	۳۳۹	کارشناسی	کارمند	۱ دختر	عاطفی- جنسی	۱۱ سال	۸ سال	تهران
۳	۲۸	۲۷۷	کارشناسی	خانه دار	۱ پسر	عاطفی	۷ سال	۱ سال و نیم	تهران
۴	۴۱	۳۰۷	دیپلم	خانه دار	۱ دختر ۲ پسر	عاطفی- جنسی	۲۲ سال	۲۰ سال	تهران
۵	۳۹	۳۲۸	کارشناسی ارشد	استاد دانشگاه	۱ دختر ۱ پسر	عاطفی- جنسی	۱۹ سال	۳ سال	تهران
۶	۳۱	۳۰۴	فوق دیپلم	دبیر	۲ دختر	عاطفی- جنسی	۱۰ سال	۳ سال و نیم	قم
۷	۳۴	۲۷۵	کارشناسی ارشد	کارمند	۱ دختر	عاطفی- جنسی	۱۱ سال	۹ ماه	تهران
۸	۳۶	۳۱۸	دیپلم	خانه دار	۲ دختر ۱ پسر	عاطفی	۱۷ سال	۹ سال	تهران
۹	۴۲	۳۱۷	کارشناسی	خانه دار	۱ دختر ۱ پسر	عاطفی	۲۲ سال	۱۳ سال	مشهد
۱۰	۲۸	۳۳۰	کارشناسی	خانه دار	۱ پسر	عاطفی- جنسی	۹ سال	۷ ماه	تهران

ابزار

در این پژوهش از ابزارهای زیر استفاده به عمل آمد:

پرسشنامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی: این پرسشنامه حاوی اطلاعاتی همچون سن، سطح تحصیلات،شغل، تعداد فرزندان، وضعیت تأهل فعلی و طول مدت ازدواج می‌باشد.

پرسشنامه بخشودگی[1] (انرایت و گروه مطالعات تحول انسان[2]، ۱۹۹۱): این پرسشنامه یک آزمون ۶۰ سوالی است که توسط انرایت برای سنجش ابعاد بخشش ساخته شده است. سوال‌های این مقیاس سه بُعد متمایز بخشش شامل ابعاد احساسی، شناختی و رفتاری را در مقیاس شش درجه‌ای لیکرت از نمره یک (خیلی کم) تا نمره شش (خیلی زیاد) می‌سنجد. انرایت آلفای کرونباخ هر یک از خرده مقیاس‌ها را محاسبه کرد که پایین‌ترین مقدار آلفای به دست آمده، ۰/۹۳ و بالاترین مقدار آن ۰/۹۸ بود که نشانه‌ی همسانی درونی خوب آزمون است. همچنین او ضرایب همبستگی بین ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری کل مقیاس را ۰/۸ محاسبه کرد. محاسبه مذکور نشان دهنده ی این است که هر سه بعد یک سازه را می‌سنجد و آزمون از روایی خوب و قابل قبولی برخوردار است. در پژوهش فیاض، بشارت و فراهانی (۱۳۹۰)، ضریب آلفای کرونباخ برای تمام ابعاد بخشش در

[1]. Enright Forgiveness Inventory (EFI)

[2]. The Human Development Study Group

www.SID.ir

Archive of SID

نمونه ۱۵۱ نفری، ۰/۹۵ محاسبه شد که نشان‌دهنده‌ی همسانی درونی بسیار بالای مقیاس بخشش است.

مصاحبه‌ی عمقی نیمه ساختاریافته: در پژوهش حاضر، با شرکت کنندگانی که یک انحراف معیار بالاتر از میانگین یعنی نمره‌ی ۲۶۶/۵ و بالاتر را در آزمون کسب کرده بودند مصاحبه به عمل آمد. مصاحبه‌ها به صورت فردی برگزار می‌شد تا مصاحبه شونده بتواند در محیطی امن و آرام تجارب خود را بیان کند. پس از اتمام هر مصاحبه به مصاحبه شونده گفته شد برای اطمینان حاصل کردن از نتایج پژوهش و منعکس کردن تجاربشان نیاز به یک قرار بعدی می‌باشد. میانگین زمان مصاحبه‌ها حدود ۶۰ دقیقه بود.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های این مطالعه از روش ۷ مرحله‌ای کولایزی استفاده گردید. بدین صورت که :

پس از پیاده سازی مصاحبه‌ها بر روی کاغذ، متن مکالمات افراد چندین مرتبه خوانده شد تا پژوهشگر از این طریق بتواند به یک معنا و احساس کلی از هر مصاحبه دست یابد. در مرحله‌ی بعد زیر تمام جملات و عباراتی که به طور مستقیم به تجربه‌ی بخشودگی افراد مربوط بود خط کشیده شد. به این ترتیب عبارات و جملات مهم و معنادار استخراج گردید. سپس معناهای مهم هر جمله که همان واحدهای معنایی یا کد هستند از جملات استخراج شده و در حاشیه متن نوشته شدند.واحدهای معنایی استخراج شده در داخل زیرمضمون‌ها سازمان‌دهی و دسته‌بندی شدند. در حقیقت تمام واحدهای معنایی که نسبت به هم همگرا و نسبت به سایر معناها واگرا هستند در داخل یک زیر مضمون قرار گرفتند. زیرمضمون‌ها و واحدهای معنایی چندین بار توسط پژوهشگر و اساتید متخصص مورد بازبینی قرار گرفتند تا از صحت نام‌گذاری واحدهای معنایی و زیرمضمون‌ها و هم‌گرایی موجود میان آن‌ها اطمینان حاصل شود. سپس زیرمضمون‌هایی که بیشترین ارتباط درونی را با هم داشتند در قالب مضامین اصلی دسته‌بندی شدند. مضامین اصلی نیز چندین بار مورد بازنگری و پالایش قرار گرفتند. در ادامه، با مشورت گرفتن از اساتید و نظر پژوهشگر نام‌هایی برای مضامین اصلی انتخاب شد که تمامی زیرمضمون‌ها و واحدهای معنایی حمایت‌کننده آن را تحت پوشش قرار می‌داد. در نهایت توصیف جامعی از نتایج و مضمون‌های اصلی ارایه گردید و به منظور تأکید بر ساختار زیربنایی، توصیف‌های زائد و بی‌استفاده از ساختار کلی حذف شده و ساختارهای مبهمی که باعث تضعیف توصیف کلی می‌شوند کنار گذاشته شدند. در این پژوهش برای حصول معتبر بودن که معادل روایی درونی در تحقیقات کمی است، راهبردهای متعددی به کار گرفته شد. از جمله این‌که با توجه به ماهیت و هدف تحقیق و پدیده‌ی مورد مطالعه‌ی آن، روش تحقیق، روش جمع‌آوری داده و تحلیل داده‌ها به طور متناسب و با استفاده از پروژه‌های تحقیقاتی موفق و قابل قیاس گذشته انتخاب شد. دیگر این‌که پژوهشگر در این پژوهش از سؤالات تکراری برای روشن‌تر شدن مطالب و جزئیات مربوط به تجربه‌ی بخشودگی و در مواقعی آشکار شدن کج‌فهمی‌های خود و تناقضات موجود در صحبت‌های مصاحبه شوندگان استفاده کرده است. هم‌چنین به منظور توانایی فراهم کردن صداقت برای شرکت کنندگان در هنگام جمع آوری داده در این پژوهش، در ابتدا رابطه‌ی خوب و امنی با شرکت کنندگان برقرار شد به طوری که آنها برای بیان تجارب خود احساس ایمنی و راحتی می‌کردند. شرکت کنندگان در ابتدا فرم رضایت پژوهش را پر کرده و کاملاً به طور داوطلبانه در این طرح پژوهشی شرکت کرده‌اند. ضمناً آن‌ها قادر بودند تا هر زمان که مایل به ادامه ی مصاحبه نبودند جلسه را ترک کنند. پژوهشگر به مصاحبه شوندگان خاطر نشان می‌کرد که جواب سؤالات درست و غلط ندارد. در پژوهش حاضر، پژوهشگر به منظور شناسایی سوگیری‌ها و ترجیحات خود و کسب دیدگاه‌های وسیع‌تر جلسات متعددی را با استاد راهنما و استاد مشاور سپری کرد. و هم‌چنین به منظور دریافت بازخورد از سوی کدگذاران متخصص در حین انجام پژوهش، داده ها و کدگذاری‌ها با استادان متخصص و یکی از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی خانواده درمانی که آموزش لازم را در زمینه‌ی کدگذاری مصاحبه‌ها دیده بود درمیان گذاشته شد و نظرات و اصلاحات آنها در تحلیل و کدگذاری و جمع‌آوری داده اعمال گردید[1]. در این پژوهش، مصاحبه‌گر پس از پیاده کردن و کدگذاری مصاحبه‌ها از شرکت کننده می‌پرسید که آیا منظور او از جواب داده شده همان بوده است که مصاحبه‌گر متوجه شده است و اطلاعات دریافتی از شرکت کننده را با خود او چک می‌کرد[2].

به منظور فراهم آوردن انتقال پذیری در پژوهش حاضر تعداد افراد شرکت کننده در پژوهش، روش جمع‌آوری داده به کار گرفته

[1]. Peer Check

[2]. Member Check

www.SID.ir

Archive of SID

شده، تعداد و زمان تقریبی جلسات گردآوری داده‌ها مشخص گردید. انتقال پذیری معادل اصطلاح روایی بیرونی در تحقیقات کمی است. برای رسیدن به اصل اعتماد در پژوهش حاضر، روش تحلیل کلایزی که یک روش قابل قبول از سوی پژوهشگران پژوهش‌های پدیدار شناسی است انتخاب گردید. مراحل انجام پژوهش و تحلیل داده‌ها به روشنی توصیف شد تا هر خواننده و منتقدی بتواند آن را مورد ارزیابی قرار دهد.در نهایت برای رسیدن به قابلیت تأیید که معادل اصطلاح عینیت در تحقیق کمی است فرایند تحقیق به طور مکرر توسط استاد راهنما و استاد مشاور مورد ارزیابی و کنترل قرار گرفت.

داده‌ها و یافته‌ها

در مطالعه‌ی حاضر با تعداد ۱۰ نفر از زنانی که خیانت همسرانشان را بخشیده بودند تا زمان حصول اطمینان در مورد اشباع داده‌ها مصاحبه به عمل آمد. در جریان فرایند کدگذاری اولیه داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، ۸۲ واحد معنایی به عنوان عوامل مؤثر بر تجربه-ی بخشودگی شناسایی شدند. پس از بررسی اشتراکات موجود در ابعاد مختلف واحدهای معنایی این واحدها در ۱۴ زیرمضمون طبقه-بندی شدند. در نهایت برمبنای روابط درونی مشاهده شده بین زیرمضمون‌ها، ۴ مضمون اصلی ایجاد شد. در جدول شماره ۲ مضامین اصلی، زیرمضمون‌ها و واحدهای معنایی حمایت کننده حاصل از کدگذاری متن مصاحبه‌ی افراد آورده شده است. به منظور معرفی و درک دقیق‌تر هر یک از زیرمضمون‌ها، مثالی از متن مصاحبه‌ها ارایه می‌شود.

الف) مضمون اصلی اول: عوامل متمرکز بر فرد: این مضمون شامل ویژگی‌ها، شناخت‌ها، شرایط فرد و ارزشی است که فرد آسیب دیده برای زندگی مشترک قائل است می‌شود و براساس صحبت مشارکت‌کنندگان یکی از عوامل شکل‌دهنده‌ی تجربه‌ی بخشودگی می‌باشد. زیرمضمون‌ها شامل موارد زیر می‌شود:

ویژگی‌های شخصیتی فرد: مصاحبه شوندگان معتقد بودند ویژگی‌های شخصیتی نظیر گذشت، سخت‌گیر نبودن، صبور بودن، خود ارزیابی و خوشبین بودن در بخشودگی آنها مؤثر بوده است. برای مثال یکی از مشارکت کنندگان این طور بیان می‌کرد: «باورتون نمیشه، نه این که شوهرم را ببخشم، همه را می بخشم»

تقدس زندگی مشترک: به نظر می‌رسد میزان ارزش و اهمیتی که افراد برای زندگی مشترک خود قایل هستند در رخ دادن بخشودگی آنها مؤثر است. اهمیت قایل شدن برای زندگی مشترک، توجه به هدف زندگی، احساس مالکیت به زندگی مشترک، اهمیت به حفظ وجهه مثبت زندگی مشترک و سرمایه گذاری در زندگی مشترک در ذیل این مضمون می‌گنجد. برای مثال یکی از مصاحبه شوندگان اظهار داشت که: «وقتی ما ازدواج می‌کنیم یه قراره، قراره تا آخر با هم باشیم، قراره با خوبی‌ها و بدی‌ها هم با هم باشیم»

اسناد: اسنادهای افراد مصاحبه شونده درباره‌ی خطا و فرد خطاکار به آنها کمک می‌کرد تا راحت‌تر ببخشند. توجه به علت خیانت از دید همسر، ذاتی دانستن خیانت برای مردها، درنظر گرفتن خیانت به عنوان یک اشتباه، جایزالخطا دانستن انسان و فهم علت ماجرا و نسبت دادن آن به علل بیرونی از جمله این اسنادها می‌باشد. برای مثال یکی از مصاحبه شوندگان اینطور بیان می‌داشت: «یه چیزیه که اجتناب ناپذیره برای مردها، یعنی حداقل هر مردی یکبار انگار تو زندگیش یه همچین چیزی رو تجربه می کنه، حداقل چون اصلاً خلقتش ایجوریه انگار!»

همدلی: همدلی کردن با فرد خیانتکار به وقوع بخشودگی کمک می‌کنه. در صحبت‌های مشارکت‌کنندگان، همدلی در قالب دلسوزی برای همسر، دیدن سهم خود در رخ دادن خیانت، سرزنش خود در مورد واکنش به افشای خیانت، دلسوزی با نفر سوم و خود را در شرایط طرف مقابل قرار دادن دیده می‌شود. برای مثال یکی از افراد مصاحبه شونده بیان داشت: «به شوهرم گفتم اگه من یه خطایی کرده بودم دوست داشتم این طرفم منو می‌بخشید یا این که نه، مثلاً زندگیمو می‌ریخت بهم. بعد گفتم مثلاً دوست داشتم می‌بخشید پس منم همین کارو می‌کنم»

باورهای دینی: باورهای دینی در قالب اعتقادات مذهبی، توجه به توصیه‌های مذهب و شرعی دانستن رفتار فرد مقابل به افراد خیانت دیده کمک می‌کند تا راحت‌تر ببخشند. برای مثال یکی از افراد مصاحبه شونده این گونه بیان کرد: «خواستم که خدا منو ببخشه منم ایشون رو ببخشم».

باورهای مربوط به بخشش: افراد مصاحبه شونده پدیده بخشودگی را طبیعی و دارای منفعت قلمداد کرده و رویگردانی از آن را زیانبخش می‌دانستند. طبیعی دانستن بخشش، در نظر گرفتن بخشودگی به عنوان یک امتیاز، ضروری دانستن بخشودگی برای تداوم زندگی و بخشودگی به خاطر خود، باورهایی هستند که فرایند بخشودگی را تسهیل می کنند. برای مثل یکی از افراد مصاحبه شونده

www.SID.ir

Archive of SID

اظهار داشت: «اگه میخواستم همین ذهنیت را با خودم نگه دارم فکر کنم اصلاً نمی تونستم زندگی کنم»

علاوه بر زیرمضمون‌های مذکور، شرایط روحی فرد، تک واحد معناداریست که به نظر می‌رسد در مهیاسازی بستر بخشودگی مؤثر است. یکی از افراد این گونه بیان می‌کرد: «این که الان شرایطی که دارم از لحاظ روحی خوب خیلی بهتره نسبت به گذشته. آرامشی که دارم انگار یه جورایی آدم احساس می‌کنه جایی برای نبخشیدن وجود نداره»

ب) مضمون اصلی دوم: عوامل متمرکز بر همسر: این مضمون در صحبت‌های مشارکت کنندگان اشاره به ویژگی‌ها، رفتارها، واکنش-های همسر و چگونگی رابطه‌ی او با نفر سوم دارد. زیرمضمون‌های آن بدین شرح است.

ویژگی‌های شخصیتی همسر: مصاحبه شوندگان، مهربان بودن، خوب بودن و مردانگی و غیرت همسر را جز ویژگی‌های شخصیتی می‌دانستند که در بخشیدن خطای او مؤثر واقع شده است چنانچه یکی از مشارکت کنندگان اظهار می‌داشت: «آدم مهربونی بود یعنی آدمی نبود که از آسیب رسوندن و اذیت کردن دیگران لذت ببرد»

تلاش همسر برای جبران: شامل رفتارهایی می‌شود که فرد خیانتکار به منظور جلب بخشودگی همسر انجام می‌دهد. این مجموعه رفتارها شامل انجام شروط وضع شده توسط همسر، امتیاز دادن به فرد خیانت‌دیده، تلاش برای بهبود رابطه، جبران کردن، بهتر شدن رفتار، تلاش برای به دست آوردن دل زن، تمایل به برگشت به زندگی، تلاش برای آرامش فرد خیانت‌دیده و اطمینان بخشی به عدم تکرار خطا می‌شود. برای مثال یکی از مشارکت کنندگان این گونه اظهار می‌داشت که: «هر کاری که برای آرامش من باشه انجام میده، یعنی الآن هر کاری که فکر کنید مثلاً باعث بشه من آرامش داشته باشم انجام میده».

واکنش‌های هیجانی رفتاری همسر: واکنش‌های فرد خطاکار در پی افشای خیانت، زمینه‌ساز بخشودگی فرد خیانت‌دیده می‌شود. این واکنش‌ها شامل تغییر محیط در بدو آشکار شدن، پشیمانی، احساس شرمندگی، بد بودن حال همسر، احساس گناه، وضعیت جسمانی بد و اظهار شرمندگی می‌شود. برای مثال یکی از مشارکت کنندگان بیان کرد: «دیدم مثلاً پشیمونه، حالا اقلاً تو کلام میگه من پشیمونم. کلامش این بود که نمی‌خوام زندگیم خراب شه. من تو رو دوست دارم. این حرف‌ها یه ذره آرامش می‌داد»

کیفیت رابطه‌ی همسر با نفر سوم: به نظر می‌رسد به هر میزانی که کیفیت رابطه‌ی همسر با نفر سوم پایین‌تر باشد بخشودگی راحت‌تر اتفاق می‌افتد. شاخصه‌های این کیفیت شامل موارد زیر می‌شود:

نوع خیانت، پرخاشگری همسر نسبت به نفر سوم، اجتناب همسر از نفر سوم، ابراز بیزاری همسر از رابطه با نفر سوم، عدم سرمایه گذاری مالی همسر در رابطه ثانویه و پایان دادن رابطه با نفر سوم

برای مثال یکی از مشارکت کنندگان بیان کرد: «زنگ زد به دختره، هرچی از دهنش دراومد گفت. ول کن دست از سر زندگیم بردار و فلان و بیسار»

ج) مضمون اصلی سوم: عوامل متمرکز بر رابطه: به نظر می‌رسد مؤلفه‌هایی در رابطه زوجی فرد خیانت‌دیده و فرد خیانت‌کار وجود دارد که بخشودگی را تسهیل می‌کند.

کیفیت رابطه با همسر پیش از خیانت: داشتن پیشینه‌ای از روابط زوجی نزدیک و دوستانه، بستر مناسبی را برای بخشودگی مهیا می-سازد. در میان صحبت‌های مشارکت کنندگان شاخصه‌های این روابط زوجی شامل موارد زیر می‌شود:

علاقه به همسر، اطمینان از علاقه همسر، رابطه‌ی دوستانه، رابطه‌ی خوب، رابطه‌ی احترام آمیز، پذیرفتن و احترام به ارزش‌های همسر، خاطرات خوب گذشته و وابستگی به همسر

یکی از افراد مصاحبه شونده این طور بیان می‌کرد: «بعد هم منهای اتفاقی که تو زندگی‌مون افتاد من با شوهرم خیلی صمیمی بودیم و هستیم »

کیفیت رابطه با همسر پس از افشای خیانت: نوع ارتباط فرد خیانت‌دیده و فرد خیانتکار بعد از افشای خیانت نیز می‌تواند روند بخشودگی را سرعت بخشد. صحبت با همسر در مورد اتفاق، تعهد همسر به زندگی، فکر کردن به آرامش همسر و ترجیح دادن رابطه‌ی فعلی توسط همسر همگی از جمله شاخص‌های این رابطه هستند. برای مثال یکی از مشارکت کنندگان بیان می‌کرد: «الآن میگه تو زنمی. حرف اول و آخر رو تو می‌زنی »

د) مضمون اصلی چهارم: عوامل بیرونی: این مضمون دربرگیرنده‌ی زیرمضمون‌هایی است که فراتر از زوجین و رابطه‌ی آنها عمل کرده و بخشودگی را پیش بینی می‌کند.

پیامدهای جدایی: به نظر می‌رسد توجه به عواقبی که فرد خیانت-دیده برای جدایی تصور می‌کنند مقدمات بخشودگی را فراهم می-سازد. فکر کردن به زندگی بعد از جدایی، ترس از جدایی، ترس از

www.SID.ir

Archive of SID

حرف مردم در پی جدایی، بد دانستن طلاق، توجه به سرانجام افرادی با تجربه مشابه و آسیب فرزند از این جمله‌اند. برای مثال یکی از مشارکت کنندگان بیان می‌کرد: «سرگذشت یه چند نفری که می-دیدم زندگی‌شون رو ریختند به هم می‌دیدم انگار باختم »

حمایت اجتماعی: وجود منابع در دسترس اجتماعی، فرد خیانت-دیده را در بخشودگی یاری می‌دهد. فرد خیانت‌دیده به صورت الگوگیری بخشودگی، در میان گذاشتن موضوع با دوستان حمایت کننده، عدم اطلاع به خانواده خود، برخورداری از حمایت خانواده همسر، علاقه به پدر همسر و اطمینان بخشی این حمایت را تجربه می‌کنند. برای مثال یکی از مشارکت کنندگان اظهار داشت: «برادر شوهرم خوب تونست مدیریت کنه این فضا رو. یعنی واقعاً دعاش می‌کنم. »

توجه به شیوع خیانت: به نظر می‌رسد عادی سازی خیانت و فراگیر دانستن آن در اجتماع به فرد خیانت‌دیده کمک می‌کند تا راحت‌تر ببخشد. برای مثال یکی از مشارکت کنندگان بیان می‌داشت: «این ذهنیته خیلی کمکم کرد که یعنی این اتفاقیه که تو جامعه ممکنه برای هر کسی بیوفته»

گذر زمان: مصاحبه شوندگان معتقد بودند گذر زمان فرایند بخشودگی را تسهیل می‌کند و بخشودگی برای رخ دادن به زمان نیاز دارد. برای مثال یکی از مشارکت کنندگان اظهار می‌داشت: «بخشیدن به نظر من تو یه لحظه پیش نمیاد. سالیان سال طول کشیده».

جدول۲. مضمون ها، زیر مضمون ها و واحدهای معنایی حمایت کننده حاصل از کدگذاری متن مصاحبه های مشارکت کنندگان

مضامین اصلی	زیرمضمون‌ها	واحدهای معنایی حمایت‌کننده		
عوامل متمرکز بر فرد	ویژگی‌های شخصیتی	سخت‌گیر نبودن	گذشت	صبور بودن
		خوش‌بین بودن		خود ارزیابی فرد
		اهمیت زندگی مشترک		توجه به هدف زندگی
	تقدس زندگی مشترک	احساس مالکیت نسبت به زندگی		اهمیت به حفظ وجهه مثبت از زندگی
		سرمایه گذاری در زندگی مشترک		
		داشتن شرایط روحی مناسب		
	اسنادها	توجه به علت خیانت از دید همسر		ذاتی دانستن خیانت برای مردان
		خیانت به عنوان یک اشتباه		جایز الخطا دانستن انسان
		فهم علت ماجرا و نسبت دادن آن به علل بیرونی		
	همدلی	دلسوزی برای همسر		دیدن سهم خود در رخ دادن خیانت
		دلسوزی برای نفر سوم		خود را در شرایط طرف مقابل قرار دادن
		سرزنش خود درمورد واکنش به افشای خیانت		
	باورهای دینی	اعتقادات مذهبی	شرعی دانستن خیانت	توصیه‌های مذهبی
		باور به طبیعی بودن بخشش		
	باورهای مربوط به بخشش	بخشودگی به عنوان یک امتیاز		ضرورت بخشش برای ادامه زندگی
		عذاب و زجر به عنوان پیامد نبخشیدن		بخشودگی به‌خاطر خود
	ویژگی‌های شخصیتی همسر	مهربان بودن همسر	خوب بودن همسر	مردانگی و غیرت همسر
عوامل متمرکز بر همسر		اعلام آمادگی همسر برای پذیرفتن خواسته‌های زن		
	تلاش همسر برای جبران	انجام شروط توسط همسر		امتیاز دادن همسر
		تلاش همسر برای بهبود رابطه		اطمینان زن از انجام شروط سخت‌تر
		تلاش همسر برای بدست آوردن دل زن		بهتر شدن رفتار همسر
		تمایل همسر به برگشت به زندگی		جبران کردن
		تلاش همسر برای آرامش فرد		اطمینان بخشی همسر به عدم تکرار
	واکنش‌های هیجانی-رفتاری همسر در پی افشای خیانت	تغییر محیط در بدو آشکار شدن خیانت		پشیمانی همسر
		احساس شرمندگی همسر		بد بودن حال همسر
		احساس گناه همسر		وضعیت جسمانی بد همسر
		اظهار شرمندگی توسط همسر		
	کیفیت رابطه همسر با نفر سوم	نوع خیانت		پرخاش همسر به نفر سوم
		اجتناب همسر از نفر سوم		ابراز بیزاری همسر از رابطه با نفر سوم

www.SID.ir

Archive of SID

جدول۲. مضمون ها، زیر مضمون ها و واحدهای معنایی حمایت کننده حاصل از کدگذاری متن مصاحبه های مشارکت کنندگان

مضامین اصلی	زیرمضمون‌ها	واحدهای معنایی حمایت‌کننده	
عوامل متمرکز بر رابطه	کیفیت رابطه با همسر	عدم سرمایه‌گذاری مالی در رابطه ثانویه	پایان رابطه با نفر سوم
	پیش از خیانت	علاقه به همسر	اطمینان از علاقه همسر
		رابطه دوستانه پیش از خیانت	رابطه خوب
		رابطه احترام آمیز	پذیرفتن و احترام به ارزش‌های همسر
		خاطرات خوب گذشته	وابستگی به همسر
	کیفیت رابطه با همسر پس	صحبت کردن با همسر درمورد اتفاق	تعهد همسر به زندگی
	از افشای خیانت	فکر کردن به آرامش همسر	ترجیح رابطهٔ فعلی توسط همسر
		فکر کردن به زندگی بعد از جدایی	ترس از جدایی
	پیامدهای جدایی	آسیب فرزند	بد دانستن طلاق
		ترس از حرف مردم در پی جدایی	توجه به سرانجام افرادی با تجربه مشابه
عوامل بیرونی		الگوگیری	حمایت خانواده همسر
	حمایت اجتماعی	در میان گذاشتن با دوستان حمایت کننده	علاقه به پدر همسر
		اطمینان‌بخشی مشاور	عدم اطلاع به خانواده خود
		گذر زمان	
		توجه به شیوع خیانت	

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس اطلاعات به دست آمده از مطالعه‌ی حاضر، به نظر می‌رسد تقدس زندگی مشترک یکی از عوامل پیش بینی کننده‌ی بخشودگی در افراد خیانت دیده است. وجه مشخصه‌ی واحدهای معنایی آن، اولویت دادن به زندگی مشترک است که در مطالعات موجود به صورت تعهد، انگیزه و رابطه محوری نمایان می‌شود. برای مثال تی سنگ[1]، مک کالو و فینچام (۲۰۰۶) بیان می‌کنند افرادی که بیشتر به رابطه‌شان متعهد هستند، بیشتر خود را با طرف مقابلشان انطباق می‌دهند، بیشتر تمایل به فدا کردن خود دارند و احتمالاً خطای طرف مقابل را کمتر به‌طور شدید درک می‌کنند و بیشتر می‌بخشند. از منظر دیگر افرادی که برای زندگی مشترک خود اهمیت قائلند افرادی رابطه‌محور هستند. طبق یافته‌ی اکسلاین، باومیستر، باشمن، کمپبل و فینکل[2] (۲۰۰۴) در افراد خودشیفته به‌دلیل تمرکزی که آن‌ها بر روی خود و نه بر رابطه دارند، ابزارهای ترمیم رابطه ازجمله بخشودگی رشد پیدا نمی‌کند . افرادی که رابطه محورند از بخشودگی به‌عنوان ابزاری درجهت ترمیم رابطه‌شان استفاده می‌کنند. آنچه در مطالعه‌ی حاضر به موارد یاد شده اضافه می‌شود در نظر گرفتن هدف زندگی مشترک، احساس مالکیت نسبت به زندگی و اهمیت دادن به حفظ وجهه‌ی مثبت از زندگی مشترک است. در رابطه با احساس مالکیت نسبت به زندگی مشترک اینطور به نظر می‌رسد افراد به دلیل سرمایه‌گذاری‌هایی که در زندگی مشترک انجام داده‌اند آن را متعلق به خود می‌دانند و در نتیجه خود را مسئول آن دانسته و مسئولیت بازسازی و ترمیم زندگی را به عهده می‌گیرند. آن‌ها می‌بخشند تا زندگی را که مالکش هستند دیگری تصاحب نکند. هم‌چنین اگر اهداف زندگی در راستای استانداردهای رابطه‌محور باشد، توجه به هدف زندگی به رخ دادن بخشودگی کمک می‌کند. برای مثال یکی از مشارکت‌کنندگان اینطور بیان می‌کرد: «وقتی ما ازدواج می‌کنیم یه قرار، قرارِ تا آخر با هم باشیم، قرارِ با خوبی‌ها و بدی‌های هم با هم باشیم» همچنین فرد به احتمال زیاد خیانت را بیشتر از آنکه یک مشکل فردی ببیند یک مشکل زوجی در نظر می‌گیرد و این به نوبه‌ی خود بر سطح همدلی و در نهایت افزایش بخشودگی مؤثر است.

هر چند در مطالعه‌ی افیفی، فلتو و وینر[3] (۲۰۰۱) هرچه روش فهم خیانت، وجهه‌ی فرد را بیشتر تهدید کند بخشودگی کاهش می‌یابد. در میان صحبت‌های مشارکت‌کنندگان اینگونه به نظر می‌رسد که افراد علاوه بر داشتن وجهه‌ی شخصی، وجهه‌ای هم مختص رابطه‌شان دارند و برای اینکه این وجهه نزد دیگران تخریب نشود به بخشودن خطای همسر متمایل می‌شوند.

در خصوص همدلی و تأثیر آن بر بخشودگی، مطالعات متعددی

[1]. Tsang
[2]. Exline, Baumeister, Bushman, Campbell & Finkel
[3]. Afifi, Falato & Weiner

www.SID.ir

Archive of SID

انجام شده است. برای مثال اسکوکا[1] (۲۰۱۵) رحم و دلسوزی را پیش‌شرط ضروری برای درمان بخشودگی می‌داند. او بیان می‌کند رحم و دلسوزی زمانی حاصل می‌شود که فرد خطادیده، خطای همسرش را ناشی از کامل نبودن انسان‌ها بداند. همچنین فرد در پی رحم و دلسوزی به این نتیجه می‌رسد که شاید در بسیاری از مشکلات رابطه‌ای مسبب خیانت همسرش، سهم داشته است. پالری، رگالیا[2] و فینچام (۲۰۰۵) بیان می‌کنند همسرانی که سطوح بالایی از همدلی عاطفی را در برابر همسر خطاکارشان دارا هستند بیشتر در برابر او خیرخواه و بخشنده‌اند. اما وجه متمایز کننده‌ی همدلی در میان یافته‌های مطالعه‌ی حاضر با مطالعات موجود، همدلی فرد خیانت دیده با نفر سوم می‌باشد. این نوع همدلی، دلسوزی برای نفر سوم، به علت موقعیت و شرایط اوست.

در کنار عوامل فردی یاد شده عوامل مربوط به فرد خیانتکار از جمله عذرخواهی نیز در جلب بخشودگی موثر است. در همین راستا فینچام، هال و بیچ (۲۰۰۶) معتقدند ابراز عذرخواهی ازطرف فرد خطاکار، فرایند بخشودگی را تسهیل می‌کند. گاندرسون و فراری[3] (۲۰۰۸) نیز بیان می‌کنند احتمال بخشودگی در حضور عذرخواهی بیشتر از نبود آن است. فایف، ویکس و گمبسکیا[4] (۲۰۰۷) ۲ عامل را برای رخ دادن بخشودگی ضروری می‌دانند: (۱) سطح بالایی از تعهد رابطه (۲) عذرخواهی خالصانه از جانب فرد بی‌وفا. آنگونه که از مطالعات برمی‌آید و همگام با یافته‌های مطالعه‌ی حاضر، زمانی‌که عذرخواهی با عوامل دیگری همراه می‌شود اثربخشی بیشتری دارد. برای مثال باتوم، گیبسون، دنیلز و مورنیقان[5] (۲۰۰۲) معتقدند زمانی که عذرخواهی همراه با جبران کردن یا رفع آسیب می‌شود بیشتر مؤثر است و یا گاندرسون و فراری (۲۰۰۸) بیان می‌کنند زمانی که عذرخواهی همراه با تلاش فرد خطاکار برای بهبود رابطه می‌شود فرد قربانی می‌بخشد، دوباره اعتماد و آشتی می‌کند. نکته قابل توجه این است که نوع عذرخواهی در میان یافته‌های به دست آمده بیشتر ابزاری است. بدین‌گونه که فرد خطاکار بیشتر از اینکه بخواهد عذرخواهی را به زبان آورد اقداماتی مانند گل خریدن، بهتر رفتار کردن و ... را انجام می‌دهد که نشان‌دهنده‌ی تمایل او به حفظ رابطه‌ی اولیه است.

به نظر می‌رسد این مسأله با توجه به جنسیت فرد خیانت‌کار توسط فرد خیانت‌دیده پذیرفته شده‌است. یکی از افراد نمونه این‌طور بیان می‌کرد:« خب میدونید مردها یذره عذرخواهی لسانی براشون سخته».

یکی دیگر از زیرمضمون‌هایی که به فرد خطاکار مربوط می‌شود و به نظر می‌رسد در مطالعات گذشته به آن اشاره‌ای نشده است کیفیت رابطه‌ی فرد خیانتکار با نفر سوم می‌باشد. در میان صحبت‌های مشارکت‌کنندگان، پایان دادن رابطه با نفر سوم توسط همسر از دو وجهه بر بخشودگی تأثیرگذار است. یک وجهه‌ی آن زمانی است که فرد خطادیده برای حفظ رابطه و جبران خطایش به رابطه با نفر سوم خاتمه می‌دهد. برای مثال: «گفتم باید جبران کنی، یعنی باید جبران کنی ولی خدایی هم اومد صیغه رو مثلاً فسخ کردن». وجهه‌ی دوم زمانی است که رابطه فرد خیانتکار و نفر سوم پایان یافته است و پس از آن فرد خیانت‌دیده از ماجرا باخبر می‌شود: «تقریباً تموم شده بود جریان بین اینها بعد من متوجه شدم بنابراین راحت‌تر بود کنار اومدن باهاش از یه جهتی». در این حالت فرد دیگر دغدغه رابطه‌ی ثانویه را ندارد و به این شناخت می‌رسد که همسرش پس از تجربه‌ی یک رابطه‌ی جدید دوباره به سمت او برگشته است. شناخت‌هایی که در نتیجه‌ی خاتمه یافتن رابطه ثانویه برای فرد ایجاد می‌شوند بخشودگی را در او تسهیل می‌کنند. پرخاش همسر به نفر سوم، اجتناب و ابراز بیزاری او و عدم سرمایه‌گذاری مالی در رابطه با ثانویه مؤلفه‌های دیگر کیفیت رابطه با نفر سوم هستند و به فرد خطادیده این پیام را می‌دهند که همچنان توسط همسر خود ترجیح داده می‌شود و رابطه ثانویه برای فرد خیانتکار محلی از اعراب ندارد.

علاوه بر موارد یاد شده هر چند مطالعات موجود از اثربخشی سیستم‌های حمایت اجتماعی از جمله خانواده فرد بر وقوع بخشودگی حکایت دارند (آبراهامسون، حسین، خان و اسچوفیلد[6]، ۲۰۱۱؛ مینارد، پیفری و جاب[7]، ۲۰۱۶)، در مطالعه‌ی حاضر افراد خیانت دیده عدم مطلع شدن خانواده خود و حمایت خانواده همسر را در بخشودگی مؤثر می‌دانستند. این تأثیر از این‌جهت است که مشارکت‌کنندگان معتقد بودند اگر خانواده‌شان متوجه ماجرا می‌شدند درصدد تحریک آن‌ها برای جدایی برمی‌آمدند و یا این که آنها تمایل نداشتند

1. Scuka
2. Paleari & Regalia
3. Gunderson & Ferrari
4. Fife, Weeks & Gambescia
5. Bottom, Gibson, Daniels & Murnighan
6. Abrahamson, Hussain, Khan & Schofield
7. Maynard, Piferi & Jobe

www.SID.ir

Archive of SID

وجهه‌ی همسرشان در نزد خانواده خود تخریب شود. به نظر می‌رسد در جامعه‌ی ما خانواده‌ی همسر و خانواده‌ی فرد خیانت‌دیده دو نقش متضاد را در شکل‌گیری فرایند بخشودگی ایفا می‌کنند. همانطور که درگیر شدن خانواده‌ی همسر در بخشودگی مؤثر است، عدم دخالت و حتی عدم مطلع شدن خانواده‌ی فرد کمک‌کننده است. خانواده‌ها در قبال عروس خود کارکرد متفاوتی به نسبت دختر خود دارند. نقش و تأثیری که خانواده‌ها بر زندگی فرزندان خود دارند را می توان یک عامل وابسته به فرهنگ دانست. در همین راستا چراغی(۱۳۹۳) بیان می‌کند سطح و نوع ارتباط خانواده‌ها در زندگی زوجین وابسته به فرهنگ ایرانی است و از نشانه‌های بارز اقوام شرقی از جمله ایران، حضور پررنگ خانواده‌ها در زندگی زناشویی فرزندان می‌باشد. همچنین به نظر می‌رسد کیفیت رابطه‌ی فرد خیانت‌دیده با خانواده همسر در برخورداری از حمایت آنها و در نتیجه تسهیل بخشودگی موثر است. همانطور که چراغی (۱۳۹۳) بیان می‌کند پیوستگی افراد با خانواده همسران و پیوستن به جمع خودی آنها باعث می‌شود تا فرد از منابع حمایتی خانواده بهره‌مند شود. همچنین در صورت وجود پیوستگی، به هنگام بروز مشکلات زناشویی، خانواده‌ها می‌توانند با دخالت موثر و عدم جانبداری یکطرفه، از فرزند خود و همدلی با همسر فرزند بر کیفیت زناشویی آنها، تأثیر بسزایی داشته باشند و در حل مشکلات یاری‌رسان زوج باشند. با توجه به این مطلب، احتمال می‌رود که پیوستگی میان افراد خیانت‌دیده‌ی پژوهش حاضر و خانواده همسرانشان به آنها کمک کرده است در هنگام مواجهه با خیانت همسر، به صورت سازگارانه‌تری پاسخ دهند. به طور مثال یکی از افراد نمونه این گونه بیان می‌کرد که «من آقاجون (پدر همسر) رو خیلی دوست داشتم حتی اگر بگم بیشتر از پدر خودم دوست داشتم دروغ نگفتم».

به نظر می‌رسد میان برخی زیرمضمون‌های به دست آمده و مفهوم بخشودگی روابط متقابلی دیده می‌شود. به گونه‌ای که برخی از زیرمضمون‌ها ازجمله همدلی اسنادها و کیفیت رابطه گاهی پیش‌نیاز بخشودگی به شمار می‌آیند و گاهی محصول آن. برای مثال همانگونه که همدلی فرد سطح بخشودگی او را افزایش می‌دهد، بخشودگی نیز می‌تواند سطح همدلی را ارتقا دهد. در مواردی نیز زیرمضمون‌ها به واسطه‌ی هم بر بخشودگی تأثیر می‌گذارند. به عنوان مثال حمایت اجتماعی در مواردی از طریق افزایش دادن همدلی فرد خیانت‌دیده مؤثر واقع می‌گردد. هم‌چنین برخی از زیرمضمون‌ها ازطریق فراهم ساختن آشتی امکان بخشودگی را افزایش می‌دهند. برای مثال فرد با تمرکز بر پیامدهای جدایی به تداوم رابطه متمایل می‌شود و با رخ دادن زیرمضمون‌های مؤثر دیگر درطول رابطه‌ی تداوم یافته، تصمیم به بخشودگی می‌گیرد. در نهایت به نظر می‌رسد بتوان یافته‌های نسبتاً جدید به دست‌آمده را با توجه به بافت فرهنگی تبیین نمود. به‌عنوان مثال در جامعه جمع‌گرای ایرانی که درحال گذار به سمت فردگرایی است رابطه‌محوری که به‌صورت تقدّس زندگی مشترک خود را نشان می‌دهد همچنان بر شکل‌دهی واکنش‌های افراد در مواجهه با مشکلات زندگی مؤثر است.

این پژوهش در مسیر خود با محدودیت‌هایی مواجه بود از جمله این‌که:

به علت دشواری در یافتن مردان خیانت‌دیده‌ای که خطای همسرشان را بخشیده باشند، نتایج پژوهش فقط محدود به تبیین عوامل مؤثر بر بخشودگی در یک جنس شده است و امکان مقایسه دو جنس وجود نداشت.

به علت اینکه عموم مردم مفهوم آشتی و بخشودگی را مشابه هم میدانند در حصول برخی نتایج ممکن است بین این دو مفهوم التقاط اتفاق افتاده باشد.

در نهایت برای رفع محدودیت‌های موجود و تبیین کامل‌تر پدیده‌ی بخشودگس پیشنهاداتی ارائه می‌شود:

پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی تجارب و دیدگاه مردان نیز در زمینه‌ی عوامل مؤثر بر بخشودگی بررسی شوند تا فهم جامع‌تری از تجارب زیسته بخشودگی افراد خیانت‌دیده با توجه به جنسیت آن‌ها حاصل شود.

پیشنهاد می‌شود به‌منظور فهم بهتر پدیده‌ی بخشودگی، موانع بخشودگی هم شناسایی شوند.

پیشنهاد می‌شود طی اجرای یک تحقیق کمّی ضریب تأثیر هر یک از عوامل به دست آمده بر بخشودگی به دست آورده شود.

منابع

چراغی، مونا (۱۳۹۳). *سبک‌های ارتباطی با خانواده‌ی همسر در زوجین ایرانی و طراحی و بررسی اثربخشی بسته مداخله‌ای مبتنی بر فرهنگ بر سازگاری زناشویی و کیفیت ارتباط با خانواده‌ی همسر.* (رساله‌ی دکترا). دانشگاه شهید بهشتی.

www.SID.ir

Archive of SID

فیاض، فاطمه؛ بشارت، محمدعلی و فراهانی،حجت‌الله (۱۳۹۰). مقایسه‌ی بخشش در افراد افسرده غیربالینی، افسرده بالینی و افراد بهنجار. *مجله علوم رفتاری*، ۵(۴)، ۳۴۲-۳۳۵.

کاشانکی، حامد و بشارت، محمدعلی (۱۳۹۷). کیفیت روابط بین‌فردی براساس بخشش خود، بخشش دیگران و بخشش موقعیت‌ها. *مجله علوم روانشناختی*، ۱۷(۶۸)، ۴۱۷-۴۰۹.

مدرسی، فاطمه؛ زاهدیان، حسین و هاشمی محمدآباد، نذیر (۱۳۹۳). میزان سازگاری زناشویی و کیفیت عشق در متقاضیان طلاق دارای سابقه خیانت زناشویی و فاقد سابقه خیانت زناشویی. *مجله علمی پژوهشی ارمغان دانش*، ۱۹(۱)، ۸۸-۷۸.

مرادی، آسیه؛ یزدان‌بخش، کامران و بساطی، آزیتا (۱۳۹۵). پیش‌بینی تعارض زناشویی براساس روان‌بنه‌ها، سبک‌های دل‌بستگی و بخشودگی. *مجله علوم روانشناختی*، ۱۵(۶۰)، ۵۳۱-۵۱۸.

ملک‌عسگر، سعاده؛ موتابی، فرشته و مظاهری، محمدعلی (۱۳۹۳). مقایسه استانداردهای مربوط به زندگی مشترک، اسنادهای ارتباطی و رضایت زناشویی در افراد ساکن تهران در طول سه نسل اخیر. *فصلنامه خانواده پژوهی* ، ۱۰(۳۸)، ۱۵۷-۱۳۷.

منتزع، نگین (۱۳۹۲). *بررسی نقش میانجی مشکل در تنظیم هیجانی و اجتناب تجربه ای در ارتباط بین بخشودگی و دل بستگی در افراد متاهل*. (پایان نامه کارشناسی ارشد) دانشگاه شهید بهشتی.

Abrahamson, I., Hussain, R., Khan, A., & Schofield, M. J. (2011). What helps couples rebuild their relationship after infidelity?. *Journal of Family Issues*, 33, 1494-1519.

Afifi, W. A., Falato, W. L., & Weiner, J. L. (2001). Identity concerns following a severe relational transgression: The role of discovery method for the relational outcomes of infidelity. *Journal of Social and Personal Relationships*, 18(2), 291-308.

Bell, C. A., Kamble, S. V., & Fincham, F. D. (2018). Forgiveness, attributions, and marital quality in US and Indian marriages. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, *17*(4), 276-293.

Bendixen, M., Kennair, L. E. O., & Grøntvedt, T. V. (2018). Forgiving the unforgivable: Couples' forgiveness and expected forgiveness of emotional and sexual infidelity from an error management theory perspective. *Evolutionary Behavioral Sciences*, *12*(4), 322.

Bottom, W. P., Gibson, K., Daniels, S. E., & Murnighan, J. K. (2002). When talk is not cheap: Substantive penance and expressions of intent in rebuilding cooperation. *Organization Science*, 13(5), 497-513.

Enright, R. D., & the Human Development Study Group. (1991). *the Moral development of forgiveness*. NJ: Erlbaum.

Exline, J. J., Baumeister, R. F., Bushman, B. J., Campbell, W. K., & Finkel, E. J. (2004). Too proud to let go: narcissistic entitlement as a barrier to forgiveness. *Journal of Personality and Social Psychology*, 87(6), 894-912.

Fife, S. T., Weeks, G. R., & Gambescia, N. (2007). The intersystems approach to treating infidelity. In *Infidelity* (pp. 86-112). NewYork: Routledge.

Fincham, F. D., & Beach, S. R. (2010). Marriage in the new millennium: A decade in review. *Journal of Marriage and Family*, 72(3), 630-649.

Fincham, F. D., Hall, J., & Beach, S. R. (2006). Forgiveness in marriage: Current status and future directions. *Family Relations*, 55(4), 415-427.

Fu, H., Watkins, D., & Hui, E. K. (2004). Personality correlates of the disposition towards interpersonal forgiveness: A Chinese perspective. *International Journal of Psychology*, 39(4), 305-316.

Gunderson, P. R., & Ferrari, J. R. (2008). Forgiveness of sexual cheating in romantic relationships: Effects of discovery method, frequency of offense, and presence of apology. *North American Journal of Psychology*, 10(1), 1-14.

Hall, J. H., & Fincham, F. D. (2006). Relationship dissolution following infidelity: The roles of attributions and forgiveness. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 25(5), 508-522.

Hui, V. K. Y., & Bond, M. H. (2009). Target's face loss, motivations, and forgiveness following relational transgression: Comparing Chinese and US cultures. *Journal of Social and Personal Relationships*, 26(2-3), 123-140.

Maynard, C., Piferi, R. L., & Jobe, R. L. (2016). Role of supportive others in the forgiveness process. *Counseling and Values*, 61(1), 28-43.

McCullough, M. (2008). *Beyond revenge: The evolution of the forgiveness instinct*. US: John Wiley & Sons.

McCullough, M. E., & Hoyt, W. T. (2002). Transgression-related motivational dispositions: Personality substrates of forgiveness and their links to the Big Five. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 28(11), 1556-1573.

McCullough, M. E., Rachal, K. C., Sandage, S. J., Worthington Jr, E. L., Brown, S. W., & Hight, T. L. (1998). Interpersonal forgiving in close relationships: II. Theoretical elaboration and measurement. *Journal of Personality and Social Psychology*, 75(6), 1586.

Merolla, A. J., Zhang, S., & Sun, S. (2012). Forgiveness in the United States and China: Antecedents, consequences, and communication style comparisons. *Communication Research*, 40, 595-622.

Paleari, F. G., Regalia, C., & Fincham, F. (2005). Marital quality, forgiveness, empathy, and rumination: A longitudinal analysis. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31(3), 368-378.

Scuka, R. F. (2015). A clinician's guide to helping couples heal from the trauma of infidelity. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 14(2), 141-168.

Shackelford, T. K., Buss, D. M., & Bennett, K. (2002). Forgiveness or breakup: Sex differences in responses to a partner's infidelity. *Cognition &*

www.SID.ir

Archive of SID

Emotion, 16(2), 299-307.

Sodani, M., Gholammohammadi, H., Khojastehmehr, R., & Abbaspour, Z. (2019). An investigation into the effectiveness of Robert Enright Forgiveness Inventory (EFI) on the marital quality of women affected by infidelity. *Biomedical Research*, *30*(4), 563-570.

Tsang, J. A., McCullough, M. E., & Fincham, F. D. (2006). The longitudinal association between forgiveness and relationship closeness and commitment. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 25(4), 448-472.

www.SID.ir